

# ادبيات تطبيقي

## در ادب فارسی معاصر

### الادب المقارن في الادب الفارسي المعاصر

نگارش  
دانشیار دکتر  
فاطمه سعدی حسین علی الدباس

#### مقدمه

ادبیات تطبیقی شاخه ای است از نقد ادبی که از روابط ادبی ملل مختلف با هم واز انعکاس ادبیات ملت دیگر سخن میگوید .

ادبیات تطبیقی تصویر وانعکاس ادبیات و فرهنگ ملتی است در ملت یا ملتهای دیگر مثلا از تأثیر ادبیات ایران در ادبیات عرب ، فرانسوی ، انگلیسی ، روسی ، ترکی ، هندی و چینی و یا بر عکس بحث می نماید . ادبیات تطبیقی از ادبیات و روابط ادبی ملل مختلف و باز تاب ادبیات يك ملت در ملت ( های ) دیگر سخن می گوید .

این پژوهش سه مبحث بر دارد ، یکی در بارهء تعریف واز هء ادبیات تطبیقی ومعنی این عبارت اشاره کرد ، با ذکر مسایل مهم پژوهش در آن ادبیات دومی در بارهء ادبیات تطبیقی در جهان صحبت کرد اما مبحث سوم از ادبیات تطبیقی در ادب فارسی معاصر و تأثیر ادبیات و نمایشنامه ء غرب به ادب و نمایشنامهء فارسی معاصر است .

#### الخلاصه

الادب المقارن ، هو فرع من فروع النقد الادبي الذي يشير الى الرابطة والعلاقة الادبية التي تربط بين مختلف امم العالم ومدى تأثر ادب وثقافة امة على ثقافة وادب امة اخرى . فالادب المقارن هو صورة وواجهة ادب وثقافة امة ما ومدى تأثيرها على ادب وثقافة امة وبلد آخر مثال على ذلك تأثير الادب العربي بالادب الفارسي والفرنسي والانكليسي والتركي والروسي والهندي والصيني وبالعكس .

هذا البحث تضمن ثلاثة مباحث الاول، اشار الى معنى وتعريف اصطلاح الادب المقارن واصلها وبداياتها اما المبحث الثاني، فأشار الى بدايات الادب المقارن في العالم واوروبا واخير المبحث الثالث، اشار الى الادب المقارن في الادب الفارسي المعاصر سواء كان شعراً او نثراً او قصة او مسرحية او رواية مع الاشارة الى مدى تأثير ادباء وشعراء الغرب بأدباء وشعراء الادب الفارسي المعاصر مع اسماء اشهرت في الغرب واثرت على ادباء وشعراء الادب الفارسي المعاصر .

## مبحث یکم

ادبیات تطبیقی چیست؟

ادبیات تطبیقی از شاخه های نقد ادبی که به سنجش آثار، عناصر، انواع، سبکها، دوره ها، جنبش ها و چهره های ادبی و بطور کلی مقایسه ادبیات در مفهوم کلی آن در دو یا چند فرهنگ و زبان مختلف پردازد. در باره اصطلاح ادبیات تطبیقی است که بین صاحب نظران و محققان این موضوع اختلاف نظر بسیار وجود دارد، نخستین تعریفی که از ادبیات تطبیقی شده از (سنت پوو) منتقد فرانسوی در سال 1866 است، طبق تعریف وی موضوع ادبیات تطبیقی: (( اصولاً عبارت از مطالعه روابط جاننداری است که ما بین ادبیات کشورهای مختلف جهان وجود دارد) و واقع مقصود از ادبیات تطبیقی مقایسه و مطابقت ساده و مطلق نیست، بلکه توجه به خصوصی معطوف به آن است که موضوعها و روشهای تفکر ادبی چگونه در هم نفوذ کرده است یا از یکدیگر منشعب شده، و یا با هم ادغام گردیده و نهضت‌های بزرگ فکری را به وجود آورده اند))<sup>1</sup> و نیز آقای ام، اف، گوینارد میگوید: // ادبیات تطبیقی در صدد تحقیق و تفحص پیرامون تأریخچه یک اثر ادبی، همین طور سابقه و موفقیت‌های آن است. اشتها نویسنده اثر، مراحل حیات نویسندگان آثار بزرگ، تعابیر دو جانبه ملتها نسبت به یکدیگر، بررسی سیاحت نامه ها و نهایتاً تأریخچه اوها و تخیلاتی از یک طرف به طرف دیگر ابراز شده می باشد. در واقع ادبیات تطبیقی از زمانی شکل گرفت که ارتباط بین ملتها گسترش یافت و رفت و آمدها افزونی گرفت ناچاراً این عوامل موجبات تأثیر و تأثرهای فراوان بین فرهنگها و آمدها افزون گرفت، ناچاراً این عوامل موجبات تأثیر و تأثرهای فراوان بین فرهنگها و ادبیاتها کشورها شد. تحقیق در ادبیات تطبیقی به چند نکته و موضوع کمک میکند برای کشف روابط فرهنگی بین ملتها، دیگر به درک آن قسمت از تحولات ادبی که مربوط به نوع روابط است، ازین رو این رشته از معارف بشری در بر قراری دوستی و صلح بین ملل مؤثر است.

مسائل مهم پژوهش در ادبیات تطبیقی چیست؟

پژوهشگر باید به نکات مهم زیر توجه میکند:-

یک- آثار مشابهی که بدون رابطه فرهنگی و ادبی بین دو ادب به وجود می آید موضوع بحث تطبیقی قرار نمیگیرد، زیرا این مشابهات حاصل شباهتها و مشترکات روحی انسانها با هم است نه ثمره اخذ و اقتباس ادبی ملتها از یکدیگر مانند روابط عاشقانه مردم که تحت تأثیر غرایز در بسیاری از موارد بین همه انسانها شبیه بهم است، و نیاز عاشق و ناز معشوق اختصاص به یک ملت و یک ادبیات خاص ندارد، بنابراین بحث در باره اینگونه مشابهات را نخستین محققان ما ادبیات تطبیقی می نامیدند ولی امروز که تقنیات ادبی و پیشرفت بیشتری کرده است نباید دچار چنین پنداری شد بلکه باید برای این امر عنوانی خاص گردید و آن را ادبیات مقابله ای نام داد که البته میتوان آن را ذیل و تکمله ای بر ادبیات تطبیقی شمرد.

دو:- آنکه تأثیر بدون تصرف اثری خارجی در ادبیات ملت دیگر ادبیات تطبیقی به معنی واقعی خود نیست مثلاً ترجمه ساده شعر یا داستان یا نمایشنامه ای از زبانی به زبان دیگر به خود خود مورد بحث ادبیات تطبیقی نمی باشد مانند اثر ادبی ای که از عربی و ترکی و فرانسه و انگلیسی بدون گرفتن رنگ ایرانی به فارسی ترجمه شده است

سه:- به وجود آمدن صناعات و قالبها و شکل‌های ادبی تحت تأثیر ملل دیگر نیز از جلوه های ادبیات تطبیقی است مانند پیداشدن قالب قصیده در فارسی زیر نفوذ شعر عربی و پدید آوردن شعر نو و رمان و داستان کوتاه و نمایشنامه تحت تأثیر ادبیات فرنگی در کشور است.

<sup>1</sup> { صورتگر، افسانه ها و داستانهای ایران در ادبیات انگلیسی، تهران 1357، ص1

چهار :- پیدا کردن منابع خارجی يك اثر ادبی به خود خود نیز يك تحقیق تطبیقی نیست بلکه مقدمه این کارست و هنگامی به پژوهش تطبیقی بدل میشود که تغییرات و تصرفاتی که در اینگونه آثار به عمل آمده است مشخص گردد .

پنج :- بحث از تأثیر ادبی مرحله پیش از زبان و ادبیاتی در مرحله بعدی آن نیز بحث تطبیقی نیست مثلاً گفتگو از تأثیر ادبیات اوستایی و مانوی و پهلوی در زبان فارسی دری ادبیات تطبیقی نمی باشد ، همچنین تحقیق در باره رابطه ( ویس و رامین ) را با اصل پهلوی آن ادبیات تطبیقی نمی نامد به عبارت دیگر نقد تاریخی را نباید با نقد تطبیقی اشتباه کرد.<sup>2</sup>

پژوهش در زمینه ادبیات تطبیقی نیازمند استعداد و آگاهی های ویژه ای است که پژوهشگر را به زرف اندیشی در کشف ریشه های تلاقی ادبیات در سطح جهان رهنمایی میکند . سنجش ادبیات میان جهان ، بدون وجود علایق و پیوندهای تاریخی میان ایشان از حوزه ادبیات تطبیقی خارج است ، زیرا چنین سنجش در شرایطی امکان پذیر است که زمینه اثر پذیری و اثر گذاری از لحاظ ادبی و فرهنگی فراهم باشد . از سوی دیگر ، ادبیات تطبیقی پهنه ای جهانی دارد در نتیجه سنجش ده یا چند ادیب با يك ملیت دو قلمرو آت نمی گنجد ، زیرا سنجش هایی که در سطح ادبیات ملی صورت میگیرد ، تنها نشان دهنده توانایی و استعداد ادیبان هم نژاد و تا حدی نمایانگر پیوند آنان با پیشینیانشان است مثلاً تحقیق در باره اثر گذاری سبک مقامه نویسی بدیع الزمان همدانی ( 398 ق ) در سبک مقامه نویسی حمیدی ( 514 ق ) خارج از موضوع ادبیات تطبیقی است اما پژوهش در باره چگونگی پیدایش فن مقامه نویسی و روند تکامل آن در ادبیات عربی و نیز بررسی راه های نفوذ و انتقال آن به ادبیات فارسی در زمره موضوعات ادبیات تطبیقی<sup>3</sup> .

تأثیر معکوس نیز از جمله بحث های است که در ادبیات تطبیقی مطرح میشود تأثیر و اکنش است که شاعر یا نویسنده ای در آثار خود در برابر اندیشه های شاعر یا نویسنده ای با ملیتی متفاوت از خود نشان میدهد هنگام بررسی تأثیر معکوس باید به مسایل زیر توجه میکنیم :

- 1= عوامل پدید آمدن چنین تأثیری در کار شاعر یا نویسنده .
- 2= علت پدیدار نشدن همین تأثیر در کار شاعر یا نویسنده ای با ملیت متفاوت است .
- 3= تجزیه و تحلیل جنبه های تاریخی عوامل مزبور .
- 4= ویژگیهای وصیغه شاعر یا نویسنده است .
- 5= طرز تلقی و اختلاف شاعر یا نویسنده اثر گذار و اثر پذیر .
- 6= طرز تلقی و جهان نگرش شاعر یا نویسنده با ملیتی متفاوت توجه کرد .

رسول پرویزی در داستان ( عبد اللام مادر مرده ) از مجموعه لولی سرمست ، ضمن تأثیر پذیری معکوس از داستان ( لیلی و مجنون ) در ادبیات عربی ، فضای خلق میکند که در آن ، تصویری که از مجنون ارائه میشود ، او را نزد خواننده ، شخصیتی منفی نشان میدهد<sup>4</sup> . پژوهشگری که بکار ادبیات تطبیقی می پردازد ، باید تأثیر یخدان باشد ، مثلاً کسی که میخواهد در باره ادبیات فارسی بعد از اسلام تحقیق تطبیقی انجام دهد باید از تاریخ ایرن بعد از اسلام کاملاً آگاه باشد ، پژوهشگری که بکار ادبیات تطبیقی می پردازد ، باید توانایی خواندن ستون ادبی مورد بررسی به زبان اصلی را داشته باشد زیرا هر زبانی خاصه هایی دارد که باعث درك کامل متون نوشته به آن از طریق خواندن آنها به زبان اهلی مینیویسد و نیز

<sup>2</sup> زرین کوپ ، عبد الحسین ، شعر بی دروغ شعر بی نقاب ، تهران 1355 ، ص 26

<sup>3</sup> { انوشه ، حسن ، دانشنامه ادبی فارسی ، تهران ، 1376 ، 41

<sup>4</sup> ( انوشه ، حسن ، دانشنامه ادبی فارسی ، ص 41

باید از تاریخ ادبیاتی که قصد بررسی تطبیقی آن را داد، آگاهی دقیق رشته باشد و سر انجام آن که باید از مراجع و مآخذ عمومی و چگونگی به کار گیری آنها کاملاً آگاه باشد. عوامل انتقال ادبیات از زبانی به زبانی های دیگر دو دسته عوامل دارد، یکی از آنها شاعر یا نویسنده اگر صاحب قلمی برخی از آثار خود را به زبان بیگانه بنگارد همین آثار را میتوان دلیل قاطعی بر اثر پذیری وی از زبان و ادبیات بیگانه بر شمرد. شاعران و نویسندگان عرب ایران تبار ( ذواللسانین ) که به دو زبان عربی و فارسی میسرودند و مینوشتند، آسکار وایلد شاعر و نویسنده انگلیسی ( 1845 = 1900 م ) که نمایشنامه ( سالومه ) را بفرانسوی نوشت، وولتر نویسنده، فرانسوی ( 1694 = 1778 م ) که رساله های خویش را به انگلیسی نگاشت، همگی این نوع تأثیر پذیری را نشان میدهد.

بررسی ترجمه ها و جستجو در چند و چون رواج آنها نیز از جمله مقولاتی هستند که در این جا باید بدان اشاره کرد، تعیین میزان رواج هر اثر ادبی و سطح علاقه به خواندن آن در کشوری که بر رسی ادبیات آن مورد نظر است میتوان پژوهشگر را در راه رسیدن به مقصود خویش یاری کند. دومی شاعران و نویسندگان ( صاحبان آثار ) مثلاً هنگامی بر رسی ترجمه های عبد الله بن المقفع ( 241 / 243 / 245 ق ) از شاهکار های ادبیات فارسی، بازندگان، گرایشهای و فرهنگ ایرانی وی نیز عواملی که به ترجمه های ادبی او تأثیر گذارده اند، توجه کرد.<sup>5</sup>

تحقیق تطبیقی در باره انواع ادبی ممکن است به دو شکل انجام میگیرد:

یک: سنجش انواع ادبی در ادبیات دو ملت، مانند پژوهش در باره داستان نویسی رمانتیک فرانسه و تأثیر آن در داستان نویسی معاصر فارسی است.

دو: سنجش انواع ادبی در ادبیات چند ملت مانند بحث در باره داستان نویسی رمانتیک در ادبیات اروپایی و تأثیر آن در داستان نویسی معاصر فارسی و عربی، بسیاری از ( پژوهشگران به ویژه آلمانی ها تمایل دارند تا هنگام کار در حوزه ادبیات تطبیقی به تحقیق در موضوعات ادبی بپردازد مانند بررسی تطبیقی موضوع ( کلوباترا ) در ادبیات انگلیسی، فرانسوی و عربی، گروهی از پژوهشگران - بیشتر فرانسوی ها - هنگام بحث در باره ادبیات تطبیقی به مسأله تأثیر شاعر یا نویسنده ای در ادبیات ملتی، ملت های دیگر توجه می ورزند.

## مبحث دوم

### ادبیات تطبیقی در جهان

ادبیات تطبیقی نخست در فرانسه پدید آمد، البته نه به مفهوم گسترده ای مفهوم امروز بکار میرود.

در سال 1828م ( ویلمن ) از استادان دانشگاه سوربن، نخستین بار اصطلاح ادبیات تطبیقی را به کار برد. البته پیش از او ( زان زاک آمبر ) از استادان دانشگاه ( سوربن ) کلاسهای درس خود را در این زمینه تاریخ تطبیقی ادبیات هانامید. پژوهشگران که در آن سالها در عرصه ادبیات تطبیقی فعالیت

میکردند، فقط به سنجش ادبیات دو ملت آن هم تنها در حد دانسته های خویش پسندیده میکردند، در صورتی که کار ادبیات تطبیقی فقط سنجش نیست، بلکه هدف آن، هکان گونه که اشاره شد، بررسی پیوندهای ادبی میان ملت ها است پژوهشگری که در این واز میان دو یا چند ملت می نشیند و داد و ستدهای ادبی = فرهنگی میان آنان را ثبت و بر رسی

<sup>5</sup> ( هلال، محمد غنیمی، ادبیات تطبیقی، ترجمه و تحشیه و تعلیق از سید مرتضی آیت الله شیرازی، تهران 1373 ص 45

می‌کند. ادبیات تطبیقی پس از فرانسه به سوئیس، ایتالیا، مجارستان و انگلستان راه یافت. در (1878 م) نخستین کنگرهٔ جهانی ادبیات تطبیقی به ریاست فیکتو هوگو و سخنگوی ایوان تورگنیف در پاریس بر گزار گردید. در (1848 م) (متیو آر لند) شاعر و منتقد انگلیسی (1848-1888 م) بسیار کوشید تا جای برای این رشتهٔ ادبیات تطبیقی در انگلستان بتز کند ولی نتوانست، تا آنکه در (1886 م) (پاسنت) از استادان دانشگاه اوکلاند در زلاند نو، کتابی بنام ادبیات تطبیقی در لندن منتشر کرد و در آن بررسی تطبیقی ادبیات جهان پرداخت و بدین ترتیب ادبیات تطبیقی مقام واقعی خود را در ادبیات انگلستان بدست آورد، آنگاه نوبت به پژوهشگران آلمان رسید که در تکوین ادبیات تطبیقی سهم بسزائی داشتند. مهم‌ترین زمینهای برای گسترده‌گی و جهان‌شمولی ادبیات تطبیقی باین رشته کمک میکنند عبارت از زیر نکات ذکر میکنیم: =

1= سیر و سفر سودگران و سودجویان به دیگر مناطق برای کسب مال و ثروت آنان که به بهشت را بر زمین می‌جستند.

2= راه یافتن کشیشان برای تبلیغ آئین خود به دورترین کشورهای دنیا.

3= انقلاب و جنگها.

4= ظهور قدرت‌های تازه.

5= ترجمه روایات سیاحان و مؤرخان.

6= گاه اغراض سیاسی مانند روش سیاست‌گران اروپایی.

بسیاری از خاورشناسانی که آثارشان به زبان فرانسوی انتشار یافته است، از آلمان برخاسته‌اند، ایشان برای تحصیل به پاریس - که مرکز ادبی اورپا در آن سالها بود = می‌رفتند و زبان‌های شرقی (فارسی، عربی، ترکی و چینی) و مانند آن را فرا می‌گرفت و در جرگهٔ کارشناسان برجسته این زبان‌های شرقی پاریس یا مراکز خاورشناسی آلمان میشدند و به پژوهش و ترجمه آثار ادبی مشرق زمین می‌پرداختند. زول مول (1800 = 1876 م) مترجم شاهنامه از این گروه بود.

بدین ترتیب طی تقریباً نیم قرن، ادبیات تطبیقی راهی دراز پیمود: از فرانسه برخاست، به کشورهای همجوار رفت و سپس روانهٔ سرزمین‌های دور دست شد و امروز بیشتر کشورهای جهان ریشه‌های یا نهادهای ویژه ادبیات تطبیقی دایر است.<sup>6</sup> در آغاز سده بیستم میلاد دانشگاه‌های امریکا و روسیا و سپس زاین (طی سالهای 1945 تا 1948) این رشته را در دانشگاه‌های خود دایر کردند، انجمن‌هایی بدین نام بنیاد نهادند و پژوهشگرانی را به پژوهش در این زمینه بری گماشتند.

مبحث سوم

ادبیات تطبیقی در ادب فارسی معاصر

همان‌طور که گفته شد ادبیات تطبیقی از فرانسه برخاست و راه درازی را پیمود تا به دیگر کشورهای از جمله ایران راه یافت. ترجمهٔ متون فارسی باستان و نیز بررسی آثار متأخر فارسی به زبان فرانسوی باقی شد تا ادبیات فارسی نیز حایی برای خود در پهنهٔ پژوهش‌های بسیار جوان است و حدود پنجاه سال از عمر آن می‌گذرد اما طی همین زمان نسبتاً اندک، کارها و پژوهش‌های بزرگی صورت گرفته و آثارگران بهایی پدید آمده است و بیشتر آنرا در شعر کلاسیک (کهن) است مانند بررسی تطبیقی چون (ایلید و شاهنامه، (سیر العباد) و (کمدی الهی) و نیز رستم و سهراب و نمایشنامه (کوهولین)، (ویس و رامین) تریستان و ارتولت یا شاعران چون حافظ و

گوته ، سعدی و لافونتین و منوچهری دامغانی و شاعران عربی مانند ابن معتر است. ونیز در شعر نو مانند برسی تطبیقی سهراب سبهری ( ووالث ویتمن ) و فروغ فرخزاد و ( ژرژ ساند ) . همچنین

داستان مانند برسی تطبیقی ( بوف کور ) صادق هدایت و ( سیلوی ) ( ژرار دو نروال ) شازده احتجاب هوشنگ گلشیری و خشم و هیاهوی ولیام فاکنر.<sup>7</sup> در دوره معاصر ادب فارسی شاید شعر نو مهمترین موضوعی است که میتواند در حوزه ادبیات تطبیقی مورد بحث قرار گیرد اگر چه در بی تحولات دوره مشروطه به بعد و دگرگونی زبانی و محتوای و بعضی قالب اشعار در شعر برخی از شاعران چون ایرج میرزا و پروین اعتصامی زمینه های تطبیقی قابل ملاحظه ( مثنوی زهره و منوچهر ) ایرج که بعد از قطعه ( مادر ) متین ترین و آبرومند ترین شعر ایرج میباشد ، در حقیقت بر گرفته و ترجمه آزادی است از ( ونوس و آدونیس ) شکسبیر شاعر بزرگ انگلیسی.<sup>8</sup>

بدنبال دگرگونی های سیاسی و اجتماعی پس از آشنای با غرب شعر امروز فارسی را مثل همه مظاهر فرهنگ گرایش به غرب دارد مسأله فارسی امروز قضیه تجدد است که شعر و ادب احیاناً هم آن رو بروست . در هر حال از تمام هدیه های که نفوذ ادب اروپایی به فرهنگ جدید چیزی نیست که امروز شعر نوین می خوانند . شعر عاری از اوزان عادی عروضی که نیما یوشیج را باید مبتکر آن دانست بدینگونه نیما یوشیج در حقیقت راه گشاینده هر نوع تجددی است در شعر امروز است . البته تفاوت شعر نو با شعر گذشته ، تنها در بیان سبک نیست بلکه در دید و فکر هم هست و همچنین در احساس و تلقی ، منشأ بعضی از مضامین آن صرف نظر از تجارب مشترک که میراث یا هدیه تحولاتی جهانی بعد از جنگ است و بهر حال تقلیدی است کم و بیش ضمنی و نا خود آگاه از فرهنگ غربی در بعضی موارد نیز تقلید گونه ای است عمدی و خود آگاه از شاعران غربی چنان بودلر ، رمبو ، والرئ و حتی مایاکوفسکی.<sup>9</sup>

شعراى غرب با شعراى ادب فارسی معاصر

یکی از آثار مهم اروپایی که شاعران و نویسندگان معاصر فارسی را بسیار تحت تأثیر قرار داده کتاب مانده های زمینی ( اندریه ژید ) نویسنده فرانسوی است اگر چه به مایه های این اثر خود فردوسی ، منوچهری ، خیام ، مولوی ، سعدی ، حافظ ، جامی و کتابهایی چون قران ، سندباد نامه ، هزار و یکشب .. است یکی از معروفترین شاعران نو پرداز که از تأثیر ( ژید ) بر کنار نمانده فروغ فرخزاد است که بسیار پوشیده و ظریف با اندبسدشه های ( ژید ) بر خورد کرده که آن را جز با دقت بسیار نمی توان در قطعات فروغ پیدا کرد حتی عنوان کتاب ( تولدی دیگر ) فروغ نیز یاد آوری از مانده هاست که از خصوصیات شیوه نگارش ( ژید ) در مانده های یکی بکار بردن فراوان کلمه ( آه ) است و همین خصوصیتبه نحو چشمگیری در شعرهای فروغ پیداست . شاعر دیگر مانند احمد شاملو که علاوه بر ( ژید ) از میان شاعران برجسته جهان همواره به مایافسکی ( روسیه ) الوار ( فرانسه ) و لورکا ( اسپانیا ) عشق می ورزید . ( نادر نادر پور ) و ( ید الله زویایی ) هم با توجه به مقایسه برخی آثارشان از تأثیر ( ژید ) بر کنار نیستند قطعه ( گوماتای آسمان ) نادر پور که بعنوان نمونه نقل گردیده با بخش های از آثار ( ژید ) مورد سنجش و بر رسی قرار گرفته است . وحتی در نثر چابک جلال آل احمد که خود از بیسروان شناختن و شناساندن ( ژید ) در ایران است .... از شیوه نگارش مانده های زمینی با

( 7 ) زرین کوپ ، عبد الحسین ، شعر بدروغ شعر بی نقاب ، ص 268

( 8 ) آرین پور ، یحیی ، از صبا تا نیما ، ج 2 ، تهران ، 1351 ، ص 478

( 9 ) زرین کوپ ، عبد الحسین ، شعر بی دروغ شعر بی نقاب ، 273

خود نشانه‌ها دارد و تأثیر سودمند آن در کتاب خسی درمیقات و نیز در یادداشت‌هایی باعتماد سلوکی هرج و مرج. تأثیر نمایشنامه غرب به نمایشنامه فارسی معاصر  
 نمایشنامه نویسی معاصر فارسی به مفهوم اصلی آن را باید از زمانی آشنایی با غرب دنبال کرد این حرکت که ابتدا با ترجمه آثار غربی و بعضاً شرقی آغاز شد کم کم بسیار شد که نمایشنامه نویسان خوبی در وره‌های بعد داشته باشیم بویژه به دنبال برپایی فستیوال تئاتر در سال (1344) در نهران، ترجمه، معرفی و اجرای نمایشنامه‌های خارجی نیز در سطح وسیع تری دنبال شد و آثار زنده‌ای از نمایشنامه نویسان جدید اروپایی و امریکایی نظیر (چخوف) (سارتر) (وليامز) (برشت) (دورمات) (کامیر) (یوجین) و آرنور میکر. به صحنه آمد، بی شک صاحبان این نام‌ها تأثیرات سازنده‌ای در نمایشنامه نویسان فارسی بجا نهادند.<sup>10</sup>

به عنوان نمونه عبدالحسین نوشین ((خروس سحر)) را به تقلید از دشمنان گورکی نوشت. یا از نمایشنامه حاجی ربابی خان محمودی (کمال الوزاره) اقتباس است از (تارتوف مولیر) که از لحاظ ارائه نقیب حاجی نسبت به حاجی آقای هدایت و محمود آقا را وکیل کنید محمد حجازی پیشگام است.<sup>11</sup>

نتیجه‌گیری

بعد از پایان به چند نتیجه گرفتیم :-

- 1 - ادبیات تطبیقی از فروع نقد ادبی است.
- 2 - کار ادبیات تطبیقی تنها سنجش نیست بلکه هدف آن بر رسی پیوندهای ادبی میان ملت‌هاست.
- 3 - ادبیات تطبیقی از فرانسه برخاست و راه درازی پیمود تا به دیگر کشورها از جمله ایران راه یافت.
- 4 - ادبیات تطبیقی شامل زمینه‌های تطبیقی مختلف چون اسطوره، داستان، شعر کهن و شعر نو و نمایشنامه و داستان است.
- 5 - تأثیر شعر نو فرانسه در شعر نو فارسی و به طور کلی به بر رسی‌های تطبیقی چندی صورت گرفته است.

#### منابع

منابع عربی قرآن کریم

- منابع فارسی 1- آراین پور، یحیی، از صبا تا نیما، ج2 تهران، 1351.
- 2- انوشه، حسن، دانشنامه ادبی فارسی تهران، 1376.
- 3- زرین کوب، عبدالحسین، شعر بی دروغ، شعر بی نقاب، تهران، 1355.
- 4- صفاری، کوکب، افسانه‌ها و داستان‌های ایرانی در ادبیات انگلیسی، تهران، 1357.
- 5- سبائلو، محمد علی، نویسندگان و پیشروان ایران، تهران، 1362.
- 6- گویارد، ام، اف، ادبیات تطبیقی، ترجمه و تکلمه‌های علی اکبر خان محمدی، تهران، 1374.
- 7- هلال، محمد غنیمی، ادبیات تطبیقی، ترجمه و تحشیه سید مرتضی آیت زاده شیرازی 1373.
- 8- هنرمندی، حسن، آندره ژید و ادبیات فارسی، تهران، 1349، ص 121

<sup>10</sup> ( سبائلو، محمد علی، نویسندگان پیشروان ایران، تهران، 1362، ص 205

<sup>11</sup> ( منبع قبلی، ص 215

## الخلاصة

الادب المقارن ، هو فرع من فروع النقد الادبي الذي يشير الى الرابطة والعلاقة الادبية التي تربط بين مختلف امم العالم ومدى تأثير ادب وثقافة امة على ثقافة وادب امة اخرى . فالادب المقارن هو صورة وواجهه ادب وثقافة امة ما ومدى تأثيرها على ادب وثقافة امة وبلد اخر مثال على ذلك تأثير الادب العربي بالادب الفارسي والفرنسي والانكليسي والتركي والروسي والهندي والصيني وبالعكس . هذا البحث تضمن ثلاثة مباحث الاول ، اشار الى معنى وتعريف اصطلاح الادب المقارن واصله وبداياته اما المبحث الثاني ، فأشار الى بدايات الادب المقارن في العالم واوروبا واخيراً المبحث الثالث ، اشار الى الادب المقارن في الادب الفارسي المعاصر سواء كان شعراً او نثراً او قصة او مسرحية او رواية مع الاشارة الى مدى تأثير ادباء وشعراء الغرب بأدباء وشعراء الادب الفارسي المعاصر

## Abstract

The comparative literature is a branch of literary criticism which Point to the literary association and relation connecting a mong different world nations and the effect of a nations literature and Culture on another nations literature and culture .So the comparative literature is an image and affront of influence on another nation and countrys literature and culure, for example, the effect of Arabic literature on the Persian , French , English Turkish, Indian and Chinese literature and vice aversa .

The current research includes three sections .The first section refers to the meaning and definition of the term "comparative literature ", its origin and beginning s. While the second section focuses on the beginning of the comparative literature in the world, especially Europe. Finally , the third section addresses the comparative literature in the Persian contemporary literature whether in poetry , prose, story , play or narration with reference to the influence extent of western authors and poets on the authors and poets of Persian contemporary literature including famous names in the West influencing the poets of Persian contemporary literature .